

## ● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

### تحولات اخیر در صحنه‌ی بین‌المللی<sup>۱</sup>

به کویت (دوم اوت ۱۹۹۰) موجب واکنش شدید آمریکا و کشورهای غربی و نیز عربی شد. جنگ دوم خلیج فارس نیز محصول مداخله‌ی مستقیم آمریکا در این قضیه بود. به عقیده‌ی رولو، بحران عراق می‌توانست بدون جنگ و با یک راه حل منطقی و در عین حال بدون خونریزی به پایان برسد. ولی آمریکا قصد داشت تا در این جنگ توان نظامی خود را به نمایش بگذارد. آمریکا هم چنین به دنبال آن بود تا رهبری نظامی جنگ را بر عهده گرفته و قدرت‌های درجه‌ی اول اروپا را به حاشیه براند. در این راستا ایالات متحده موفق شد تا کشورهایی نظیر آلمان، انگلیس و فرانسه را با خود هم عقیده کرده و آنها را به دنبال سیاست‌های خود بکشد.

۱. نوشتار حاضر برگرفته از سخنرانی اریک رولو سردبیر سابق لوموند در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۷۸ است.

اریک رولو سردبیر اسبق روزنامه‌ی فرانسوی لوموند و سفیر دولت فرانسوا میتران رییس جمهور پیشین فرانسه در تونس و ترکیه در روز ۳۰ فروردین سال جاری در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در خصوص تحولات بین‌المللی به ایراد سخنرانی پرداخت و در ابتدای بیانات خود اظهار داشت:

سال ۱۹۸۹ نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر جهان است. در این سال با فروپاشی رژیم‌های کمونیستی اروپای شرقی و در پی آن فرو ریختن دیوار برلین و سپس وحدت دو آلمان (۱۹۹۰) و فروپاشی اتحاد شوروی (۱۹۹۱) تحولات بسیار چشم‌گیری در صحنه‌ی بین‌المللی پیش آمد.

در این میان صحنه‌ی سیاسی و نظامی خاورمیانه شاهد یکی از وقایع خاص و در عین حال بی‌سابقه بود. حمله‌ی نیروهای ارتش عراق

رولو افزوده: از زمان ژنرال دوگل سیاست فرانسه در خاورمیانه همواره بر آن بوده‌است که مسایل موجود در خاورمیانه با نظارت چندین قدرت اروپایی حل و فصل شود و ایالات متحده به تنهایی زعامت قضیه را بر عهده نداشته باشد.

سر دبیر سابق لوموند در بخش دیگری از سخنان خود درخصوص موضع ایالات متحده اظهار داشت:

آمریکا کشوری نیست که در قضیه‌ی اعراب و اسرائیل بی طرف باشد و نقش میانجی را ایفا کند. این کشور در قبال امنیت اسرائیل تعهداتی دارد و باید آنها را انجام دهد. آمریکا قصد ندارد که از بابت میوه‌های به دست آمده سهمی را به دیگران ببخشد. این کشور در طول جنگ دوم خلیج فارس به فرانسوی‌ها می‌گفت: «شما در عملیات توفان صحرا شرکت کنید، بعد از جنگ ما سعی خواهیم کرد تا از وجود شما در کنفرانس صلح استفاده کنیم.»

ولی وقتی که جنگ تمام شد، گفتند: «خیلی متأسفیم که اسرائیلی‌ها با حضور شما فرانسوی‌ها در فرآیند صلح خاورمیانه [کنفرانس مادرید] موافقت ندارند و اعراب هم حاضر شده‌اند که بدون حضور فرانسوی‌ها این کنفرانس را برگزار کنند.» البته به نظر من این امر

نشان‌دهنده‌ی قدرت آمریکا است.

رولو در ادامه‌ی سخنان خود اضافه کرد: بسیاری از اروپایی‌ها معتقدند که اگر اروپا می‌توانست در مسایل خاورمیانه مشارکت داشته باشد، تا به حال صلح عادلانه‌یی در منطقه برقرار شده‌بود ولی آمریکا می‌خواهد که این مسایل را به طور یک‌جانبه و انحصاری حل و فصل کند و در این راستا روزبه‌روز به زورگرایش پیدا می‌کند. آمریکا از ایده‌های منتظم پطروس غالی دبیرکل پیشین سازمان ملل که با خواسته‌های آن مغایرت داشت، مخالفت می‌کرد و عدم موافقت آن کشور با تمدید دبیرکلی وی نیز در همین راستا ارزیابی می‌گردد. در این دوره نقش سازمان ملل متحد نیز کم‌رنگ می‌شود که البته جای نگرانی دارد.

آمریکا برای اجرای اهداف خود از دو روش انحصاری و دسته‌جمعی سود می‌جوید و بسته به موفقیت و مخالفت و موافقت هم‌پیمانانش، به طور یک‌جانبه و یا منسجم، اقدام می‌کند.

اریک رولو درخصوص نتیجه‌ی جنگ خلیج فارس اظهار داشت:

آمریکایی‌ها از جنگ خلیج فارس سود سرشاری نصیب خود ساختند. به طوری که اروپایی‌ها خیلی مایوس شدند. اعراب

نتیجه ما شاهد رفتارهای دوگانه‌ی آمریکا هستیم. مصداق بارز این قضیه «قانون داماتو» است که اروپایی‌ها با آن مخالفت کرده‌اند که با وجود مخالفت آمریکا با ایران و لیبی، اروپایی‌ها به تجارت با آنها پرداختند و در نتیجه در مقابل این موضع‌گیری قاطع اتحادیه‌ی اروپایی، آمریکایی‌ها عقب‌نشینی کردند. عقب‌نشینی آمریکا به این دلیل است که اروپا در مقابل آمریکا راهبرد نظامی ندارد و اروپایی‌ها فکر می‌کنند که آمریکایی‌ها حامی آنها هستند. برخی از کشورهای اروپایی به لحاظ مالی و فنی وابسته به آمریکا بوده و در قبال مخالفت با آمریکا خود را در محذور می‌بینند و ناگزیر هستند که با سیاست‌های آن مخالفت نکنند. تعدادی دیگر از کشورهای اروپایی نیز تا بدان جا پیش می‌روند که احساس می‌کنند حضور آمریکایی در اروپا به نفع آنان است. کشوری مثل فرانسه که مخالف سیاست‌های آمریکاست، در بعضی موارد و تحت فشار برخی از اعضای اتحادیه‌ی اروپایی نظیر آلمان ناچار است که با کشورهای طرفدار آمریکا هم همسو شود.

رولو در ادامه‌ی بحث خود اظهار

داشت:

هزینه‌های جنگ را به آمریکایی‌ها پرداختند زیرا براین باور بودند که اروپایی‌ها بدون میل قلبی خود در این جنگ شرکت کرده‌اند. آنها مبلغی بین ۸۰ تا ۹۰ میلیارد دلار جنگ‌افزار از آمریکا خریداری کردند و از این بابت نیز سهم شایان توجهی به اروپایی‌ها نرسید.

رولو در ادامه‌ی سخنان خود گفت: پس

از پایان جنگ خلیج فارس برتری و سلطه‌ی آمریکا افزایش فراوانی پیدا کرده و این کشور از «ابرقدرت»<sup>۱</sup> به «برترین ابرقدرت»<sup>۲</sup> تبدیل شده‌است.

به نظر رولو امروزه تفرقه‌ی فراوانی

میان کشورهای عربی حکم‌فرماست و به هیچ وجه از آن اتحادی که در زمان جمال عبدالناصر (۱۹۷۰-۱۹۱۸) رییس جمهور مصر میان آنها برقرار بود، خبری نیست.

وی درخصوص اختلاف‌های بین

آمریکا و اروپا اظهار داشت:

در زمینه‌ی سیاسی اختلاف نظرهایی

بین دو طرف وجود دارد ولی چون اروپا راهبرد کلان نظامی ندارد، بنابراین رقابتی بین ما و آنها (آمریکایی‌ها) وجود ندارد. رقابت بین ما منحصرأ اقتصادی است. حضور نظامی آمریکا باعث افزایش تشنج در منطقه می‌شود و امکان فعالیت اقتصادی را از اروپایی‌ها می‌گیرد. در

1. Super Puissance

2. Hyper Puissance

مخالفین به تدریج قوی‌تر می‌شوند. بنابراین با کاهش موفقیت ناتو، ابتکارهای دیپلماتیک فرانسه روند صعودی خود را طی خواهد کرد. بدیهی است که ما اقدام به فراخوانی نیروهای خود نخواهیم کرد. رولو درباره‌ی روابط آمریکا با ایران اظهار داشت:

ایالات متحده‌ی امروز در حال تغییر سیاست‌های خود در قبال ایران است. تحریم آمریکا علیه ایران این کشور را از پای در نیاورد ولی اقتصاد آن را ضعیف کرد. آمریکایی‌ها خود در صدد عادی‌سازی روابط با ایران برآمده‌اند و به دنبال «دیپلماسی گفت‌وگو» هستند. آنها برای عادی‌سازی روابط خود با ایران عجله و از آن هراس دارند که اگر قطع روابط روزی به درازا انجامد، دیگر نتوانند قراردادی را با ایران امضا کنند. ایران در حال حاضر در موقعیت بسیار خوبی قرار دارد.

رولو در پاسخ به این سؤال که اتحادیه‌ی اروپایی تا چه حد حاضر به پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران است، اظهار داشت: تا زمانی که ایران قوانین بین‌المللی را نقض نکند.

وی در پاسخ به سؤالی درخصوص روابط فرهنگی بین دو کشور گفت: به نظر من روابط فرهنگی به مراتب از روابط سیاسی و

امروزه به نظر می‌رسد که با روی کارآمدن تونی بلر در انگلستان و گرهارد شرودر در آلمان، محور «لندن-بن» به ضرر محور «پاریس-بن» در حال شکل‌گیری است. از آنجایی که آمریکا «برترین ابرقدرت» است، فرانسه باید در این دنیای تک قطبی برای حفظ منافع حیاتی خود اقدام کند. اگر منافع حیاتی فرانسه در خطر نباشد، مشکلی با آمریکا نداریم ولی اگر آمریکا بخواهد سلطه و هژمونی خود را برقرار کند آن وقت است که باید به دنبال دنیای چندقطبی باشیم.

وی در پاسخ به این سؤال که فرانسه تا چه حد حاضر به پشتیبانی از عملیات آمریکا در کوزوو است، اظهار داشت:

فرانسه برای انجام عملیات نظامی در کوزوو متکی به نیروهای ناتو است. فرانسه در اصل با تجزیه‌ی یوگسلاوی مخالف بوده و پس از استقلال کرواسی و اسلونی در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفته است. درخصوص عملیات جاری ناتو در کوزوو ذکر این نکته ضروری است که همه فکر می‌کردند میلوشویچ ظرف سه روز سقوط خواهد کرد ولی الآن پس از گذشت حدود یک ماه از بمباران ناتو، هنوز از خود مقاومت نشان می‌دهد. با عدم نتیجه‌گیری از بمباران، افکار عمومی به دو دسته تقسیم و

زودی حل خواهد شد. اصل سفر هم‌چنان به قوت خود باقی است و باید سعی کنیم که این مسأله نه در ایران و نه در فرانسه ابعاد سیاسی به خود نگیرد. به نظر من این مسأله از نظر روابط بین دو کشور یک مسأله‌ی سیاسی نیست.

غلامرضا علی‌بابایی

اقتصادی مهم‌تر است. مرکز فرهنگی ایران در پاریس مشغول فعالیت است ولی مرکز فرهنگی فرانسه در تهران فعالیتی ندارد.

سردبیر سابق لوموند درخصوص سفر رییس جمهور خاتمی به فرانسه اظهار داشت: این مشکل فعلاً تشریفاتی است. این موضوع هم در ایران و هم در فرانسه مهم می‌باشد و به





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د پوهنتون  
پرتال جامع علومو انساني